

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صفحات ۱۶۷-۱۹۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۰۵/۲۲

بررسی عوامل موثر بر اعتماد به نیروی انتظامی در شهر تبریز

فاطمه گلابی^۱

فتانه حاجیلو^۲

چکیده

اعتماد از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی و از مؤلفه‌های حیاتی سرمایه اجتماعی و از مباحث مهم و اساسی در جوامع امروزی است. مقاله حاضر با مطالعه موردی شهر تبریز، به بررسی اعتماد اجتماعی مردم به نیروی انتظامی می‌پردازد. هدف از این تحقیق، تعیین عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی مردم به نیروی انتظامی در شهر تبریز است. جامعه آماری پژوهش را افراد بالای ۱۵ سال ساکن در شهر تبریز تشکیل می‌دهند. روش تحقیق پیمایشی و به صورت مطالعه مقطعی است. نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و حجم نمونه برابر با ۶۷۰ نفر است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میزان اعتماد تعمیم‌یافته، وفاداری به نظام سیاسی و رعایت قواعد هنجاری در جامعه به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارند. متغیرهای مستقل مورد بررسی، در کل حدود ۶۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. نتیجه به دست آمده حاکی از آن است که از بین عوامل موثر بر اعتماد شهروندان به نیروهای انتظامی در شهر تبریز، سهم عوامل نهادی بیش از عوامل فردی است.

واژگان کلیدی: اعتماد، اعتماد تعمیم‌یافته، نیروی انتظامی، اعتماد بین شخصی، پاسخگویی مسئولان.

1- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز
Email: f.golabi@gmail.com

2- پژوهشگر موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تبریز و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
Email: fhajilou@ymail.com

مقدمه

طی دهه‌های اخیر مسئله اعتماد جایگاه مهمی در اندیشه جامعه‌شناختی کسب نموده است. برخی از اندیشمندان مانند فوکویاما^۱، بیشتر به جنبه‌های اقتصادی و برخی مانند پاتنام^۲ به ابعاد سیاسی و برخی نیز همچون زتومکا^۳ به ابعاد جامعه‌شناختی آن توجه بیشتری داشته است. اعتماد ضمن این که فعالیت‌های داوطلبانه، نوآورانه و خلاق را برمی‌انگیزد، افراد را به تحرک در کارهای جمعی تشویق می‌کند.

اعتماد مهم‌ترین انگیزه‌ای است که افراد را به داشتن ارتباطات دوسویه یا چندسویه تشویق می‌کند. اعتماد کردن فرصت‌ها و امکاناتی را برای طرفین به وجود می‌آورد که در صورت عدم آن، شاید آن امکانات و فرصت‌ها به آسانی از بین برود (کامران و احمدیان، ۱۳۸۸: ۲۰).

نیروی پلیس، جزو نهادهای مهم در جامعه است که حافظ جان، مال و نوامیس مردم و برقرارکننده امنیت در جامعه است. نیروی انتظامی گسترده‌ترین سازمان امنیتی است که بیشترین قابلیت دسترسی را برای شهروندان دارد. اینان جزو اولین نیروهایی هستند که در صحنه‌های مختلف حاضر می‌شوند و در ابعاد مختلف به امدادسانی و پاسخگویی به مردم می‌پردازند؛ بنابراین باید از اعتماد و ضریب اطمینان قابل قبولی برخوردار باشند (بشکنی، ۱۳۸۶: ۲۱۰) و این امر زمانی محقق می‌شود که تا حدی از اعتماد بین پلیس و مردم وجود داشته باشد.

بیان مسأله

برخی ویژگی‌های جامعه معاصر سبب شده که اعتماد اهمیت ویژه‌ای پیدا کند. به تعبیر لومان^۴ ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که میزان وابستگی جامعه به تصمیم‌گیری، افزایش

1- Fukuyama

2- Putnam

3- Szetompka

4- Luhmann

یافته است. ما در جامعه مبتنی بر کنش هدفمند انسانی زندگی می‌کنیم و برای این که با آینده برخورد فعال و سازنده داشته باشیم، به اعتماد به یکدیگر نیاز داریم.

تمایز و تقسیم کار و افزایش نقش‌ها و کارکردها و مشاغل سبب شده که افراد به یکدیگر و مهارت‌های یکدیگر وابستگی زیادی پیدا کنند. در این راستا اعتماد اهمیت بیشتری می‌یابد. به نظر میزدال^۱ این وابستگی به هم سبب شده نیاز به اعتماد بیشتر شود.

به‌طور کلی هرچه میزان تمایزپذیری اجتماعی^۲ در جامعه بیشتر شود، پیچیدگی جامعه بیشتر و در نتیجه نیاز جامعه به اعتماد بیشتر می‌گردد (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۱). به همین سان لومان معتقد است که تکنولوژی باعث افزایش پیچیدگی در زندگی می‌شود و انسان‌ها برای تحمل این پیچیدگی، روز به روز به اعتماد بیشتری نیاز دارند (Lahmann, 1979: 16).

زندگی ما در جامعه کنونی بشدت وابسته به عملکرد نهادها و افرادی است که برای ما شناخته و گمنام هستند ولی با آن‌ها سر و کار داریم. این افراد و نهادها کاملاً از ما مستقل هستند ولی زندگی ما بشدت به آن‌ها وابسته است (Szetompka, 1999: 17). ما ناگزیر هستیم که به کارایی، مسئولیت‌پذیری و نیت خیر این افراد و نهادها اعتماد داشته باشیم.

بسیاری از فیلسوفان اجتماعی نظیر هابز و توکوویل بر این عقیده‌اند که اعتماد، پایه اساسی نظم اجتماعی است. اعتماد تنش‌ها را کاهش و انسجام را افزایش می‌دهد. آنچه باعث اعتماد مردم به یکدیگر می‌شود، احساس امنیت است. (Knack & Keefer, 1997: 1261 به نقل از شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۴). بدون وجود اعتماد، ارتباط و تعامل یا برقرار نمی‌شود و یا در صورت لزوم، بسیار شکننده، محدود، بدبینانه و کاملاً محتاطانه است (پناهی و شایگان، ۱۳۸۶: ۷۴).

در تحلیل شکل‌گیری اعتماد دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه جامعه‌محور و دیدگاه نهادمحور. دیدگاه جامعه‌محور پاتنام (۲۰۰۱) معتقد است که با گسترش مشارکت افراد در شبکه‌های رسمی و غیررسمی موجود در جامعه اعتماد نیز گسترش می‌یابد. در مقابل

1- Miztal

2- Social differentiation

رهیافت نهادمحور (روتشتاین و استوله^۱ ۲۰۰۳: ۷۸) بر این پایه استوار است که مهم‌ترین عوامل ایجاد و حفظ اعتماد، نهادها و سازمان‌هایی هستند که مجری سیاست‌هایند یعنی دستگاه‌های اجرایی دولتی. مقاله حاضر به دنبال بررسی این دیدگاه نهادمحور در تحلیل اعتماد مردم به پلیس است.

افزایش اعتماد سیاسی موجب تعامل بیشتر و بهتر بین مردم و دولت و جلب مشارکت سیاسی مردم می‌شود و کاهش آن، موجب عدم حمایت و پشتیبانی مردم از مسئولان، عدم رعایت قوانین و مقررات (مگر به اجبار)، عدم حمایت از برنامه‌های دولت، سرایت بی‌اعتمادی به نهادها و سازمان‌های دولتی و در موارد بسیار حاد، موجب بحران مشروعیت می‌شود.

با توجه به دغدغه‌های مربوط به حفظ نظم و کنترل اجتماعی در جامعه مدرن، اعتماد عموم مردم به پلیس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نهاد نیروی انتظامی نهاد اجتماعی مهمی محسوب می‌شود؛ زیرا پلیس دارای اختیار اعمال اقتدار است و می‌تواند در مواجهه با شهروندان از اجبار استفاده نماید. از این رو اعتماد عمومی برای خود پلیس اهمیت دارد؛ زیرا بویژه در جوامع دموکراتیک، پلیس باید بتواند برای رفتارهای خود از شهروندان مشروعیت کسب کند. بنابراین نیروهای انتظامی برای انجام وظایف خود به صورت موثر و کارآمد نیاز دارند که با شهروندان رابطه مطمئنی داشته باشند (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۶).

اگر سازمان‌هایی که تأمین‌کننده خدمات عمومی نظیر خدمات عمومی و امنیتی هستند به گونه‌ای عمل نمایند که مردم جامعه، آن‌ها را تمیز و قابل دسترس بدانند در آن صورت فرد به جامعه و دیگر اعضای آن اعتماد خواهد نمود؛ پس یکی از ابعاد مهم اعتماد، اعتماد به نهادها و سازمان‌هاست.

پژوهش حاضر درصدد است، به بررسی تأثیر متغیرهای فردی و اجتماعی مؤثر بر اعتماد مردم به نیروهای انتظامی پردازد و به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- میزان اعتماد مردم به یکدیگر و همچنین به نهادها و سازمان‌ها تا چه اندازه است؟

- مردم به چه میزان به نیروهای پلیس اعتماد دارند؟

- متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد مردم به نیروهای پلیس چه چیزهای هستند؟

مبانی نظری

وجود اعتماد مؤلفه اصلی تمام روابط اجتماعی پایدار است (زتومکا، ۱۳۸۴: ۳). تغییر و تحول در جوامع انسانی، به تراکم و پیچیدگی روابط و تعاملات احتمالی وابسته است که بدون وجود اعتماد امکان‌پذیر نیست و نیازمند فرهنگی است که از آن تحت عنوان «فرهنگ اعتماد» یاد می‌شود، فرهنگی که شالوده اصلی سرمایه اجتماعی و پیش شرطی بنیادی برای محقق دموکراسی، سامان و نظم اجتماعی پویا و در نهایت توسعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی فرهنگی و اقتصادی است.

به نظر زیمل، اعتماد نوعی ایمان و اعتقاد افراد به جامعه است. بدین معنی که اعتماد وقتی وجود خواهد داشت که فرد به کسی یا اصلی باور داشته باشد (زیمل، ۱۹۷۸: ۱۷۹).

از نظر تونیس، اعتماد به صورت اخص، مبنای انسجام اجتماعی است که از سوی ارزش‌های دینی و اخلاقی تقویت می‌شود و آن نیز به نوبه خود، روابط مبتنی بر اعتماد را تسهیل و به افزایش انسجام اجتماعی کمک می‌کند (میزدال، ۱۳۸۰: ۴۳).

دورکیم بر جنبه‌های نامحسوس و غیر مادی فرهنگی یعنی روابط بین شخصی در زمینه فردی اجتماعی و پیش‌بینی شده اشاره دارد. این جنبه‌ها در بین افراد درونی شده و بر کنش‌های افراد الزام‌آورند (کنش‌ها را برطبق نظام هنجارها و ارزش‌ها جهت می‌دهند). قوانین، اخلاقیات، ایدئولوژی و مذهب همان جنبه‌های نامحسوس زندگی مادی هستند. دورکیم، برویژگی‌های اخلاقی و تعهدات افراد نسبت به هم و رد تصورات صرفاً مادی از ساخت اجتماعی تأکید می‌نماید (زتومکا، ۱۳۸۴: ۶).

واژه بی‌سازمانی یا بی‌هنجاری^۱ که توسط دورکیم^۲ (۱۹۵۱) بیان شده و مرتون^۳ (۱۹۹۶) به آن اشاره کرده روی بی‌نظمی^۴ و ضدیت با ویژگی‌های ارزشی و قواعد و مقررات قانونی به عنوان بی‌هنجاری تأکید دارد (زومکا، ۱۳۸۴: ۷). از نظر دورکیم، اگر جامعه اخلاقی باشد، محیط اجتماعی مملو از اعتماد می‌شود؛ زیرا قواعد اخلاقی تضادها و تنش‌ها را تخفیف و امکان همکاری و مودت را افزایش می‌دهند. مصونیت و پیش‌بینی‌پذیر بودن چنین محیطی، شرایطی را برای اعتماد به وجود می‌آورد که به نظر می‌رسد نتیجه پیروی از هنجارهای اخلاقی باشد (میزدال، ۱۳۸۰: ۶۲).

از نظر دورکیم، در جامعه‌ای که در آن انسجام بالا باشد، اعتماد هم بالاست و از همه مهم‌تر این است که رعایت اصول اخلاقی و احترام به حقوق یکدیگر محیط را اعتمادآمیز می‌کند (احمدی، ۱۳۸۱: ۳۷).

باربر^۵ (۱۹۸۳) انتظارات را مبنا و ملاک اصلی ارزیابی میزان اعتماد تلقی می‌کند. از دیدگاه وی، اعتماد در تعریف کلی و جامع به عنوان انتظار پایایی به یک نظم اجتماعی اخلاقی مربوط است. از نظر باربر، اعتماد می‌تواند ابعاد متفاوتی داشته باشد:

۱- اعتماد به صداقت و درستی (پابندی به اصول اخلاقی)

۲- اعتماد به کارایی و کارآمدی یا توانایی اجرای وظایف مجموعه‌ی نقش

۳- ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی

از سوی دیگر، افرادی همچون آلموند و وربا^۶ (۱۹۶۵) از تحقیق بر روی سنت‌ها و واقعیت‌های مادی به سوی بررسی عوامل نامحسوس مانند ارزش‌ها و عقاید به قابلیت‌های مرتبط با سیاست تغییر جهت داده و به نگرش افراد نسبت به نظام سیاسی و بخش‌های مختلف آنها و طرز تلقی آنها نسبت به نقش خود در نظام توجه می‌کرده‌اند. از نظر افرادی

1- Anomie

2- Durkheim

3- Merton

4- Chaotic

5- Barber

6- Almond & Verba

مانند کین^۱ (۱۹۸۸)، کوهن و آراتو^۲ (۱۹۹۲)، الگزندر^۳ (۱۹۹۱، ۱۹۹۲ و ۱۹۹۸) و سلیگمن و کامر^۴ (۱۹۹۳)، جامعه مدنی سالم مترادف است با اجتماع مبتنی بر ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی که در راستای ارتباطات گسترده و محدود در چارچوب علایق و وابستگی‌های بین شخصی، تعهدات و اتفاق نظر حاصل می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۴: ۸).

زتومکا در تئوری شدن اجتماعی^۵ در بحث بر روی خلیات اجتماعی^۶ و نشانه‌های شخصیتی از برخی از خصوصیات همچون خوش‌بینی، عمل‌گرایی، جهت‌گیری آتی و امید به آینده نام برده و معتقد است که بخشی از تصمیم‌گیری‌های افراد به ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها وابسته است. وی خوش‌بینی و امید به آینده را زمینه‌ای برای ایجاد انگیزه جهت اعتماد و تمایل به اعتماد می‌داند. این نشانه‌های شخصیتی با گسترش در میان جمعیت به عناصر نظام اجتماعی تبدیل می‌شوند که از آن تحت عنوان خلیات اجتماعی نام می‌برد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۴۶-۱۴۷).

زتومکا سه مبنا را برای اعتماد اولیه در نظر می‌گیرد: وجهه یا اعتبار^۷، عملکرد یا نحوه اجرا^۸ و نمود یا طرز رفتار^۹ (زتومکا ۱۳۸۴: ۸۲). وجهه یا اعتبار، به معنای ثبت اعمال گذشته است. اعتماد حاصل تجربه چند ساله‌ای است که کسب می‌شود. اطلاعات در مورد اعتماد افراد می‌تواند دست اول یا دست دوم (بر پایه نقل قول‌ها، مدارک و ارزیابی‌ها) باشد. اعتماد به افراد در نتیجه کسب اعتبار حاصل می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۴: ۸۷).

دومین مبنای اعتماد، عملکرد است؛ عملکرد به معنای اعمال واقعی است. اعمال کنونی که در حال حاضر نتایجی را به بار آورده است. وجهه یا اعتبار نتیجه اعمال گذشته است ولی عملکرد، نتیجه اعمال فعلی است (همان: ۹۰).

-
- 1- Keane
 - 2- Cohen & Arato
 - 3- Alexander
 - 4- Seligman & Kumar
 - 5- Social becoming
 - 6- Social mood
 - 7- Reputation
 - 8- Performance
 - 9- Appearance

بر اساس نظریه دموکراسی و حکومت عادلانه، اگر اعتماد اجتماعی یک امر جمعی باشد، پس می‌توان انتظار داشت که نهادها و ساختارهای اجتماعی بویژه حکومت بر آن تأثیرگذار باشند. بنابراین هم در سطح نخبگان و هم در سطح توده مردم می‌توان انتظار داشت که عملکرد و اعتبار حکومت بر اعتماد مؤثر است.

در سطح نخبگان، دموکراسی مجموعه‌ای از نهادهاست که رهبران سیاسی را وادار می‌کند به گونه‌ای رفتار کنند که مردم به آن‌ها اعتماد داشته باشند. به عبارت دیگر وجود تفکیک قوا، برگزاری انتخابات منظم و مکرر، آزادی گردش اطلاعات، حاکمیت قانون، وجود مطبوعات آزاد و سیستم نظارت بر دولت، سبب می‌شود که دولت در نظام دموکراتیک، رفتار اعتمادآمیزی از خود نشان دهد (Levi & Stoker, 2000; Weingast, 1998: 165). نقل از شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۵).

تحقیقات تجربی فراوان نشان داده که بین رفتار حکومت و اعتماد رابطه مستقیم وجود دارد (پاتنام ۱۹۹۳، نک و کی‌فر ۱۹۹۷، اینگه‌هارت^۱ ۱۹۹۹، بوث و ریچارد^۲ ۲۰۰۱، نیوتون^۳ ۲۰۰۱، پکستون^۴ ۲۰۰۲). در این راستا، میزدال نیز معتقد است که اعتبار و محبوبیت حکومت بشدت بر میزان اعتماد اجتماعی در جامعه اثرگذار است. به همین صورت، لوی (۱۹۹۳)، نیز بر این باور است که مهم‌تر از اعتماد بین افراد جامعه، اعتماد افراد جامعه به کنشگران دولتی است. ارزیابی عملکرد حکومت‌ها با نگاهی به نرخ رشد، میزان بیکاری و سطح تورم در کشور صورت می‌گیرد و عملکرد نیروی انتظامی با میزان جرائم در جامعه، سطح امنیت، احساس امنیت و نظم اجتماعی و ارزیابی از فضای جامعه بررسی می‌شود. سومین شکل از نشانه‌های قابلیت اعتماد، نمود و طرز رفتار است. این امر به ویژگی‌های ظاهری و رفتارهای ظاهری افراد مربوط می‌شود که می‌تواند اعتماد یا بی‌اعتمادی را در پی داشته باشد. (زتومکا، ۱۳۸۴: ۹۱).

1- Inglehart

2- Both & Richard

3- Newton

4- Paxton

لومان در بحث خود درباره اعتماد، از قانون و قدرت مشروع سخن می‌گوید که سبب می‌شود تصمیمات افراد و نهادها از طریق کانال‌های قانونی اعمال شود. این امر از طریق تقویت همکاری‌ها، خطر ذاتی عدم تعین و عدم اعتماد را کاهش و قابلیت پیش‌بینی افراد و نهادها را افزایش می‌دهد (امیرکافی، ۱۳۷۵: ۲۰).

مطالعات متعدد نشان داده که نابرابری‌ها و حذف اجتماعی^۱ می‌تواند سبب بی‌اعتمادی مردم به مقامات رسمی از جمله پلیس شود. از دیدگاه کاریا اینن، دو عاملی که در سطح اجتماع بر میزان اعتماد عمومی به نیروهای پلیس تأثیر دارند عبارتند از: میزان فساد حکومتی و جایگاه نهادهای تأمین‌کننده امنیت در بین دستگاه‌های دولتی. پس مهم‌ترین عاملی که در سطح اجتماعی بر اعتماد مردم به پلیس تأثیرگذار است، ساختار و کیفیت حاکمیت است. به عبارت دیگر، اگر دولت از نگاه مردم قابل اعتماد باشد، اعتماد به نیروهای انتظامی نیز پیامد احتمالی آن است.

همان‌طور که روتشتاین بیان کرده، یکی از عوامل اصلی در ایجاد اعتماد (چه اعتماد تعمیم یافته و چه اعتماد به سازمان‌ها) بی‌طرفی دولت در برخورد با مردم است، اینکه دولت چقدر با تمامی شهروندان، صرف‌نظر از موقعیت اقتصادی اجتماعی آنان، رفتار یکسانی دارد (Rothstein, 2005: 67). بعلاوه فساد در دستگاه‌های دولتی نیز سبب کاهش اعتماد مردم به پلیس می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۶). همچنین نابرابری اجتماعی به اشکال مختلف سبب عدم اعتماد مردم به سازمان‌های دولتی می‌شود.

بریتزر^۲ (۲۰۰۲) اعتماد سیاسی را در سه سطح در نظر می‌گیرد: اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی. زتومکا یکی از شرایط اعتماد یا بی‌اعتمادی بین افراد و نهادها را وحدت و یکپارچگی هنجاری می‌داند که در آن، هنجارها، قواعد، ویژگی‌های اخلاقی و آداب و رسوم، چارچوب کلی زندگی اجتماعی را می‌سازند و اجرای عملی هنجارها، خصلت الزامی بودن آنها را تضمین می‌نماید. این هنجارها و قواعد،

1- Social exclusion

2- Breteer

زندگی اجتماعی را بدون مشکل، ایمن، منظم و قابل پیش‌بینی می‌سازد و همانند سناریوهای تثبیت شده‌ای عمل می‌کنند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۴۲).

زتومکا در بحث بر روی پاسخگو بودن افراد (کنشگران) و نهادها، معتقد است که اگر مجموعه‌ای از نهادها توانمند، در دسترس و به معنای واقعی کلمه، در حال انجام وظیفه باشند، با فراهم شدن زمینه برای کنترل و نظارت بر رفتار افراد توسط این نهادها از خطر سوء استفاده کاسته می‌شود و نظم و ترتیب در جامعه حفظ می‌گردد. در این وضعیت، هرکس اطمینان دارد که معیارها رعایت شده و از انحراف جلوگیری می‌شود (همان منبع: ۱۴۶).

پیشینه تجربی

الف) مطالعات داخلی

کامران و احمدیان (۱۳۸۱) در تحقیق به منظور بررسی میزان اعتماد اجتماعی مردم به پلیس و عوامل مرتبط با آن در استان ایلام، به این نتیجه رسیده‌اند که بین احساس امنیت، خصوصیات فردی و دگرخواهی با میزان اعتماد افراد به پلیس رابطه معناداری وجود دارد و در عین حال رابطه بین اعتماد مردم به نیروهای پلیس با سن و تحصیلات، منفی است؛ یعنی هرچه سن و تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، از میزان اعتماد به نیروهای انتظامی کاسته می‌شود.

نتایج تحقیق وثوقی و آرام (۱۳۸۸) بر روی عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی در شهر خلخال نشان می‌دهد که بین متغیرهای سن، احساس امنیت، رضایت از زندگی، ارزش‌های مشترک با میزان اعتماد اجتماعی است، همچنین براساس این تحقیق بین پایگاه اجتماعی، اقتصادی و جنسیت با اعتماد اجتماعی تفاوتی مشاهده نشده است.

نتایج بررسی‌های ابراهیمی لویه (۱۳۸۵) در شهر گرمسار درباره اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در بین افراد آن جامعه نشان می‌دهد که بین دگرخواهی، بیگانگی اجتماعی، احساس امنیت، اعتقادات دینی، فضای مناسب اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی، رضایت از زندگی و اعتماد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. براساس این تحقیق

بالاترین میزان اعتماد به سازمان آموزش و پرورش، برق و نیروی انتظامی و کمترین اعتماد به صدا و سیما، بیمارستان‌ها و دادگاه‌ها بوده است.

یافته‌های پژوهش شارع‌پور (۱۳۸۸) درباره اعتماد مردم به پلیس در استان مازندران به این نتیجه رسیده است که در تبیین اعتماد مردم به پلیس بیش از متغیرهای فردی و مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه متغیرهای اجتماعی و بویژه عوامل مربوط به حکومت عادلانه و کارآمد موثر است. بر این اساس نوع نگرش مردم به کنشگران دولتی و نحوه عملکرد سازمان‌های دولتی بر ارزیابی آنان از قابلیت اعتماد به پلیس تأثیر فراوانی دارد.

نتایج تحقیق شایگان (۱۳۸۷) تحت عنوان بررسی میزان اعتماد مردم به پلیس در شهر تهران نشان می‌دهد که امید به آینده پلیس در مقایسه با پنج نهاد سیاسی کشور (مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، شورای نگهبان، قوه قضاییه و قوه مجریه) و اعتماد مردم به آینده پلیس بیش از سایر نهادها بوده است. در عین حال نیروی انتظامی در مقایسه با سازمان‌های دیگر (مانند شهرداری، مدارس و بیمارستان‌های دولتی) از نظر میزان اعتماد در رتبه دوم قرار دارد. همچنین ۷۸ درصد پاسخگویان به نظام سیاسی اعتماد زیادی دارند.

بررسی شاخص‌های منزلت اجتماعی پلیس نشان می‌دهد که از نظر مردم عوامل توانمندی و عملکردی به عنوان شاخص‌های مهم در تعیین منزلت پلیس مطرح می‌شوند (علیزاده و رضایی، ۱۳۸۴). نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از نظر شهروندان مشاغل نظامی (ارتش و سپاه و پلیس) از نظر منزلت اجتماعی متوسط به بالا هستند و ارتش در رتبه اول، سپاه در رتبه دوم و پلیس در رتبه سوم قرار دارد.

- هزارجریبی و صفری شالی (۱۳۸۸)، در بررسی اعتماد به گروه‌ها به این نتیجه رسیدند که بین اصناف اجتماعی مختلف در اولویت اول، معلمان، استادان دانشگاه، پزشکان و ورزشکاران قرار می‌گیرند. ارتشی‌ها، پلیس راهنمایی، کارگران و هنرمندان در اولویت دوم نیروی انتظامی، روحانیون، قضات و روزنامه‌نگاران در اولویت سوم قرار می‌گیرند و اولویت چهارم به رانندگان تاکسی، کسبه، تجار، بازاریان و بنگاه‌دارها مربوط است که به ترتیب کمترین اعتماد به آن‌ها وجود دارد. براساس نتایج این تحقیق، رابطه بین متغیر سن و اعتماد

به نیروی انتظامی و پلیس راهنمایی و رانندگی معنادار نیست ولی متغیرهای جنسیت و تحصیلات با این دو گروه رابطه معنادار دارند. در این تحقیق، میانگین اعتماد به گروه‌های خودی بیش از اعتماد به گروه‌های غیرخودی است. براساس نتایج آزمون رگرسیونی، متغیر فضای مناسب اخلاق عمومی با ضریب تأثیر ۰/۲۵ بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی داشته است و در عین حال بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معکوس وجود داشته است. در این تحقیق متغیر فضای مناسب اخلاق عمومی بیشترین تأثیر را بر اعتماد اجتماعی داشته است یعنی هرچند فضای مناسب اخلاق عمومی در جامعه مناسب‌تر باشد، میزان اعتماد اجتماعی افراد نیز افزایش می‌یابد.

براساس نتایج تحقیق پناهی و شایگان (۱۳۸۶)، اعتماد به نظام سیاسی بیشتر از اعتماد به نهادها و کنشگران سیاسی است. همچنین تلاش دولت برای تأمین رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم بر اعتماد سیاسی تأثیر می‌گذارد و بیشترین تأثیر متعلق به برداشت پاسخگویان از تلاش دولت برای تأمین رفاه مردم است.

تحقیق کمالی (۱۳۸۲) تحت عنوان مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست نشان می‌دهد که پایگاه، رفاه اقتصاد، تحصیلات و شغل بالاتر، رابطه معکوس را نسبت به اعتماد دارند.

حسینی (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان بررسی رابطه سازمان‌های محلی و اعتماد عمومی نسبت به آن سازمان‌ها به این نتیجه رسیده است که پاسخگویی اخلاقی، عملکردی و اطلاع‌رسانی بیشترین تأثیر را بر افزایش اعتماد بین مردم و سازمان‌های محلی برعهده دارند.

نکته مهم آن است که در تحقیقات انجام شده داخل کشور مشخص شده که میزان اعتماد مردم به پلیس در سطح پایین است که با نوسانات زیادی نیز مواجه است (محسنی، ۱۳۷۵، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳ و شارع‌پور، ۱۳۸۴). در این تحقیقات صرفاً به توصیف میزان اعتماد اکتفا شده و به بررسی نقش عوامل مختلف در اعتماد مردم به پلیس توجهی صورت نگرفته است.

ب) پژوهش‌های خارجی

نتایج تحقیقات ویتزر و تاچ^۱ (۲۰۰۵) نشان می‌دهد عدم احساس امنیت و ترس از جرم، ترس از ایجاد ناامنی در جامعه سبب کاهش اعتماد مردم به پلیس می‌شود.

کاربا اینن^۲ از دانشگاه علوم انتظامی فنلاند در سال ۲۰۰۷ مطالعه تطبیقی درباره اعتماد مردم به نیروهای پلیس در بین کشورهای اروپایی انجام داده است. او در مطالعه خود برای تحصیل اعتماد مردم به پلیس به دو دسته عوامل توجه داشته است: عوامل اجتماعی سطح کلان و عوامل فردی سطح خرد. در سطح کلان اجتماعی می‌توان گفت، اگر چه پلیس در تمام جوامع دارای نقش تقریباً مشابهی است (یعنی تأمین امنیت مردم و محافظت از شهروندان) ولی شیوه عمل پلیس در جوامع مختلف متفاوت است (Mawby, 2003: 98).

تحقیق کاربا اینن در زمینه اعتماد مردم به پلیس در بین کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که افراد سالخورده بیشتر از جوان‌ها، زنان بیشتر از مردان و افراد بیکار کمتر از افراد شاغل، به پلیس اعتماد دارند. هم در کشورهای اروپایی و هم در امریکا ثابت شده که افراد دارای درآمد پایین، کمترین اعتماد را به پلیس دارند. این دلیلی بر این است که در اغلب موارد، فقیرترین گروه جامعه، بیشترین قربانیان جرائم را تشکیل می‌دهند (Wohlfarth et al., 2001: 364).

کاربا اینن در مطالعه خود، به مقایسه تأثیر دو دسته عوامل کلان و خرد و اعتماد مردم به پلیس پرداخته و به این نتیجه رسیده که اعتماد مردم به پلیس بیشتر تحت تأثیر نوع نگاه مردم به دولت و دستگاه‌های اجرایی است تا عوامل فردی. این یافته نوعی تأیید برای رهیافت نهاد محور است که اعتماد را بیشتر محصول عملکرد نهادهای اجتماعی می‌داند (شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۷).

تحقیق فرانک و همکارانش نیز نشان داد که کمترین رضایت از پلیس، به پایین‌ترین گروه درآمدی متعلق است (Frank et al., 2005: 223).

1- Weitzer & Tuch

2- Kaariainen

براساس نظریات مورد بحث و نتایج تجربی مربوط به موضوع بررسی، متغیرهای استنتاج شده عبارتند از: اعتماد بین شخصی (تونیس، باربر، گیدنز، کلنن و زتومکا)، اعتماد به کنشگران سیاسی (بریتزر، فرانک، کاریا اینن، زتومکا، ابراهیمی لویه، کامران و احمدیان، پناهی و شایگان)، اعتماد به نهادها و سازمان‌ها (باربر، بریتزر، زتومکا، شایگان، هزارجریبی و صفری شالی، پناهی و شایگان، کمالی و شارع‌پور)، ارزیابی مردم از عملکرد نهادها (زتومکا، باربر، وینگست و استوکر، عباس‌زاده، پناهی و شایگان)، ارزیابی مردم از پاسخگویی نهادها (زتومکا، حسنی)، ارزیابی مردم از رعایت قواعد هنجاری در جامعه (زتومکا، لومان)، ارزیابی از مردم از رواج ارزش‌های اخلاقی در جامعه (تونیس، دورکیم، مرتون، سلیگمن، ابراهیمی لویه، وثوقی و آرام، هزارجریبی و صفری شالی)، خوش‌بینی، امید به آینده (زتومکا) و وفاداری به نظام سیاسی (زیمل و زتومکا).

روش‌شناسی

این مقاله براساس نتایج یک پژوهش که از نظر وسعت پهنانگر و از نظر زمانی یک بررسی مقطع است، ارائه شده است.

شیوه اجرای پژوهش پیمایشی و جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه افراد بالای ۱۵ سال ساکن در شهر تبریز تشکیل می‌دهند.

براساس آمار سال ۱۳۸۵ از مجموع جمعیت (۱۳۹۸۰۶۰ نفر)، ۱۱۰۶۷۳۱ نفر بالای ۱۵ سال بودند برآورد حجم نمونه براساس محاسبات نمونه‌گیری برطبق فرمول کوکران انجام شده است. نمونه‌گیری براساس خانواده‌های ساکن در تبریز صورت گرفته و دسترسی به واحد آماری یعنی فرد پاسخگو از طریق خانواده است. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده و حجم نمونه ۶۷۰ نفر است.

سوالات پرسشنامه براساس چارچوب نظری تحقیق و مفاهیم استخراج شده از این نظریه‌ها طراحی شده است و پس از آزمون مقدماتی و اصلاحات لازم در اختیار پاسخگویان قرار گرفته است. پس از استخراج اطلاعات پردازش آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

در تجزیه و تحلیل تک‌متغیره، از جداول توصیفی با ذکر فراوانی و درصد فراوانی پاسخ‌ها

پاسخ‌ها استفاده شده، در تحلیل دومتغیره از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون F و T استفاده گردیده و تحلیل چندمتغیره با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام شده است.

متغیر وابسته تحقیق، میزان اعتماد مردم به نیروی انتظامی بوده است که براساس طیف لیکرت و در قالب سوال هایی به صورت مستقیم از افراد پاسخگو پرسیده شده و نظر آنان درباره نیروی انتظامی مورد سنجش قرار گرفته است. اعتبار ابزار سنجش براساس نظر استادان مورد تأیید قرار گرفته و در حقیقت ابزار سنجش دارای اعتبار صوری است. پایایی ابزار سنجش با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ بررسی گردید، که نتایج آن در جدول شماره ۱ ارائه شده است. بر اساس مقادیر جدول، میزان آلفا برای همه متغیرها بیانگر روایی بالای ابزار اندازه‌گیری است.

شاخص اعتماد اجتماعی از ترکیب سه شاخص اعتماد به عموم مردم (بین شخصی)، اعتماد به اصناف (مشاغل) و سازمان‌ها (نهادهای) ساخته شده است. با بررسی اعتماد میان اعضای که در بخش‌های مختلف جامعه قرار دارند، می‌توان تصویری از این امر به دست آورد که میزان اعتماد مردم به هریک از نهادهای اجتماعی بویژه نیروی انتظامی تا چه اندازه است.

جدول شماره (۱) نتایج آزمون آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	ابعاد	گویه‌ها	مقدار آلفای کرونباخ
اعتماد به افراد نیروی انتظامی	-	۳	۰/۸۱
اعتماد بین شخصی	اعتماد درون گروهی	۱	-
	اعتماد برون گروهی	۵	۰/۸۱
اعتماد تعمیم‌یافته	اعتماد به مشاغل	۱۵	۰/۸۹
	اعتماد به نهادها	۱۵	۰/۹۵
اعتماد به کنشگران سیاسی	-	۱۱	۰/۹۶
ارزیابی از ارزش‌های اخلاقی در جامعه	ارزش‌های مثبت	۸	۰/۹۴
	ارزش‌های منفی	۳	۰/۹۲
رعایت قواعد هنجاری	-	۳	۰/۷۳
پاسخگویی مسئولان	-	۳	۰/۸۸
وفاداری به نظام سیاسی	-	۸	۰/۹۴
امید به آینده	-	۲	۰/۷۶
خوش‌بینی	-	۴	۰/۷۳

یافته‌های تحقیق

- از مجموع پاسخگویان مورد مطالعه، ۵۲/۴ درصد از افراد نمونه آماری مرد و ۴۷/۶ درصد زن هستند. کم سن‌ترین پاسخگوی مورد مطالعه، ۱۵ سال و بزرگ‌ترین آن‌ها ۸۱ سال دارند و میانگین سنی نمونه مورد تحقیق ۳۲/۶۵ سال است. ۴۹/۳ درصد متأهل، ۴۶/۷ درصد مجرد، ۱/۶ درصد مطلقه و ۲/۱ درصد از پاسخگویان به دلیل فوت همسر بدون همسر هستند. از کل نمونه آماری مورد مطالعه، ۳۷ درصد را شاغلان، ۱۴/۴ افراد جویای کار یا بیکار، ۲۲/۱ درصد محصل یا دانشجو، ۱۹/۷ درصد خانه‌دار و ۶۸ درصد را نیز بازنشستگان تشکیل می‌دهند.

- از تعداد کل پاسخگویان، بیشترین تعداد (۴۹/۸) در سطح کاردانی و کارشناسی (لیسانس) قرار داشته‌اند. ۳۸/۷ درصد دارای تحصیلات راهنمایی و دیپلم و ۳/۲ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری و در مقابل ۸/۳ درصد بی‌سواد و یا دارای سواد ابتدایی بوده‌اند.

- توزیع فراوانی پاسخگویان در مورد اعتماد درون گروهی (اعتماد به خانواده) نشان می‌دهد که تقریباً ۷۷ درصد از افراد اظهار داشته‌اند که به اعضای خانواده خود اعتماد زیادی دارند و در مقابل فقط ۴/۴ درصد از پاسخگویان نسبت به اعضای خانواده‌شان اعتماد کم یا بسیار کم ابراز داشته‌اند. نتایج مربوط به متغیر اعتماد برون‌گروهی، (اعتماد به اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران، دوستان، همشهری‌ها) نشان می‌دهد که ۳۸/۹ درصد اعتماد بالا و یا نسبتاً بالا و در مقابل ۶۰/۴ درصد اعتماد پایین یا نسبتاً پایینی نسبت به نیروی انتظامی دارند و این امر بیانگر اعتماد نسبتاً پایین بیش از نیمی از پاسخگویان به افراد دیگر غیر از اعضای خانواده است.

- در این پژوهش اعتماد به مشاغل جزو شاخص‌های اعتماد تعمیم یافته است. در بررسی داده‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی، مشاغل مختلف در سه گروه طبقه‌بندی شد. بدیهی است که این گروه‌بندی بر اساس میزان اعتماد افراد پاسخگو به مشاغل مختلف در جامعه و بر اساس اظهارات آنان انجام گرفته است. گروه اول شامل: بازاریان،

مغازه‌داران، بنگاه‌داران املاک و تعمیرکاران مکانیکی؛ گروه دوم: استادان دانشگاه‌ها، معلمان، هنرمندان، ورزشکاران، کارمندان، کارگران و رانندگان تاکسی و گروه سوم شامل: قضات دادگاه‌ها، پزشکان، مأموران راهنمایی و رانندگی و روحانیان است. بررسی میزان اعتماد به مشاغل واقع در این سه گروه نشان می‌دهد که میزان اعتماد به پاسخگویان مشاغل گروه سوم نسبت به مشاغل گروه دوم و گروه اول در کمترین میزان بوده است. اگر بخواهیم مشاغل گروه سوم را از یک تا پنج رتبه‌بندی نماییم، نتایج جدول شماره ۲ حاصل می‌شود. براساس نظر پاسخگویان، معلمان و دانشگاهیان در مرتبه اول اعتماد قرار می‌گیرند و بنگاه‌داران املاک در مرتبه ششم یعنی کمترین میزان اعتماد را به خود اختصاص می‌دهند.

اعتماد به نهادها یکی دیگر از شاخص‌های اعتماد تعمیم یافته است. که بر اساس تحلیل عاملی، به دو عامل مشخص، تفکیک می‌شود: نهادهایی که در قالب این دو عامل قرار می‌گیرند، عبارتند از: گروه اول شامل مدارس دولتی، مدارس غیرانتفاعی، دانشگاه‌ها، بانک‌های دولتی و بانک‌های خصوصی و گروه دوم شامل مجلس شورای اسلامی، محاکم قضایی، شوراها، صدا و سیما، سازمان اوقاف، ارتش، قوه مجریه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، احزاب سیاسی.

نتایج توصیفی مربوط به دو نهاد مطرح شده نشان می‌دهد که از لحاظ میزان اعتماد بین پاسخگویان، به نهادهای گروه اول اعتماد بیشتری در مقایسه با نهادهای گروه دوم وجود دارد.

جدول شماره (۲) رتبه‌بندی مشاغل بر اساس مقادیر میانگین

میانگین‌ها	رتبه	مشاغل
۲/۵ تا ۳/۰	۱	معلمان، استادان دانشگاه
۳/۱ تا ۳/۵	۲	پزشکان، هنرمندان، ورزشکاران، مأموران راهنمایی و رانندگی، کارمندان
۳/۶ تا ۴/۰	۳	کارگران، قضات دادگاه‌ها، روحانیان، رانندگان تاکسی
۴/۱ تا ۴/۵	۴	تعمیرکاران مکانیکی، مغازه‌دارها
۴/۶ تا ۵/۰	۵	بازاریان
۵/۱ تا ۵/۵	۶	بنگاه‌های معاملات ملکی

جدول شماره (۳) مقادیر میانگین متغیرهای مستقل

اعتماد برون درون گروهی	اعتماد به گروهی	اعتماد به مشاغل	اعتماد به نهادها	رواج به سیاسی	رواج به اخلاقی	رعایت قواعد هنجار	پاسخگویی مسئولان سیاسی	وفاداری به نظام آینده بینی	امیدبه خوش آینده بینی
۴/۲۵	۱/۸۵	۳/۲۳	۳/۳۲	۳/۶۵	۳/۹۶	۴/۰۶	۳/۷۰	۲/۶۸	۲/۰۹
میانگین									۴/۳۷

بر اساس جدول فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

- افراد ارزیابی نسبتاً پایینی از پاسخگویی مسئولان، رعایت قواعد هنجار و رواج ارزش‌های مثبت در جامعه دارند
- افراد جامعه از امید نسبتاً بالایی به آینده برخوردارند
- میزان اعتماد به مشاغل و نهادها در بین افراد جامعه نسبتاً کم است.
- در عین حال که افراد جامعه اعتماد نسبتاً پایینی به کنشگران سیاسی ابراز داشته‌اند ولی میزان وفاداری شان نسبت به نظام سیاسی نسبتاً بالا و یا بالا است.

۲- متغیر وابسته

بر اساس نتایج این پژوهش، تقریباً نزدیک به یک سوم از پاسخگویان به نیروی انتظامی اعتماد زیاد و در مقابل ۲۷/۲ درصد کمتر اعتماد داشته‌اند.

جدول شماره (۴) توزیع فراوانی میزان اعتماد به نیروی انتظامی

میزان اعتماد به نیروی انتظامی	فراوانی	درصد فراوانی معتبر
زیاد	۲۲۳	۳۳/۵
متوسط	۲۶۱	۳۹/۳
کم	۱۸۱	۲۷/۲
جمع	۶۶۵	۱۰۰

نتایج آزمون‌ها، بین متغیرهای زمینه‌ای و اعتماد به نیروی انتظامی نشان می‌دهد که بین مردان و زنان، متاهلان، مجردان، افراد مطلقه و فوت همسر در میزان اعتماد به نیروی

انتظامی تفاوت وجود دارد. همچنین کسانی که به لحاظ تحصیلی و وضعیت اقتصادی و اجتماعی با هم تفاوت دارند، به لحاظ اعتماد به نیروی انتظامی با هم تفاوت دارند. بر اساس این تحقیق تحصیلات مادر و میزان درآمد افراد تأثیری بر میزان اعتماد نداشته است ولی تحصیلات پدر می‌تواند این امر را متأثر سازد.

جدول شماره (۵) نتایج آزمون‌های آماری سنجش اعتماد به نیروی انتظامی و متغیرهای زمینه‌ای

متغیرها	آزمون F	آزمون T	sig
سن و اعتماد به نیروی انتظامی	۳۱/۱۱۱		۰/۰۲
جنس و اعتماد به نیروی انتظامی		۳/۶۵۶	۰/۰۰۰
وضع تأهل و اعتماد به نیروی انتظامی	۳/۵۰۹		۰/۰۰۸
تحصیلات و اعتماد به نیروی انتظامی	۲/۲۹۶		۰/۰۰۶
وضعیت شغلی و اعتماد به نیروی انتظامی	۳/۸۱۰		۰/۰۰۲
تحصیلات پدر و اعتماد به نیروی انتظامی	۱/۷۸۱		۰/۰۳
تحصیلات مادر و اعتماد به نیروی انتظامی	۱/۲۳۹		۰/۲۳۷
درآمد و اعتماد به نیروی انتظامی	۲/۱۲۴		۰/۰۷
وضعیت اقتصادی اجتماعی و اعتماد به نیروی انتظامی	۲/۳۵۷		۰/۰۵

نتایج تحلیل دومتغیره بر اساس محاسبه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین همه متغیرهای موجود در تحقیق با متغیر اعتماد به نیروی انتظامی رابطه معنادار وجود دارد ولی شدت این رابطه برای عوامل مختلف با هم فرق می‌کند (نگاه کنید به جدول شماره ۶).

بر اساس نتایج به دست آمده، در بین این متغیرهای مستقل، اعتماد به نهادها و مشاغل رابطه قوی با متغیر وابسته دارد. رابطه بین اعتماد به نیروهای انتظامی با چهار متغیر دیگر شامل: اعتماد به کنشگران سیاسی، وفاداری به نظام، میزان پاسخگویی مسئولان و ارزیابی از رواج ارزش‌های مثبت در جامعه در حد متوسط است و رابطه بین بقیه متغیرهای مورد بررسی با متغیر اعتماد به نیروی انتظامی در حد ضعیف است.

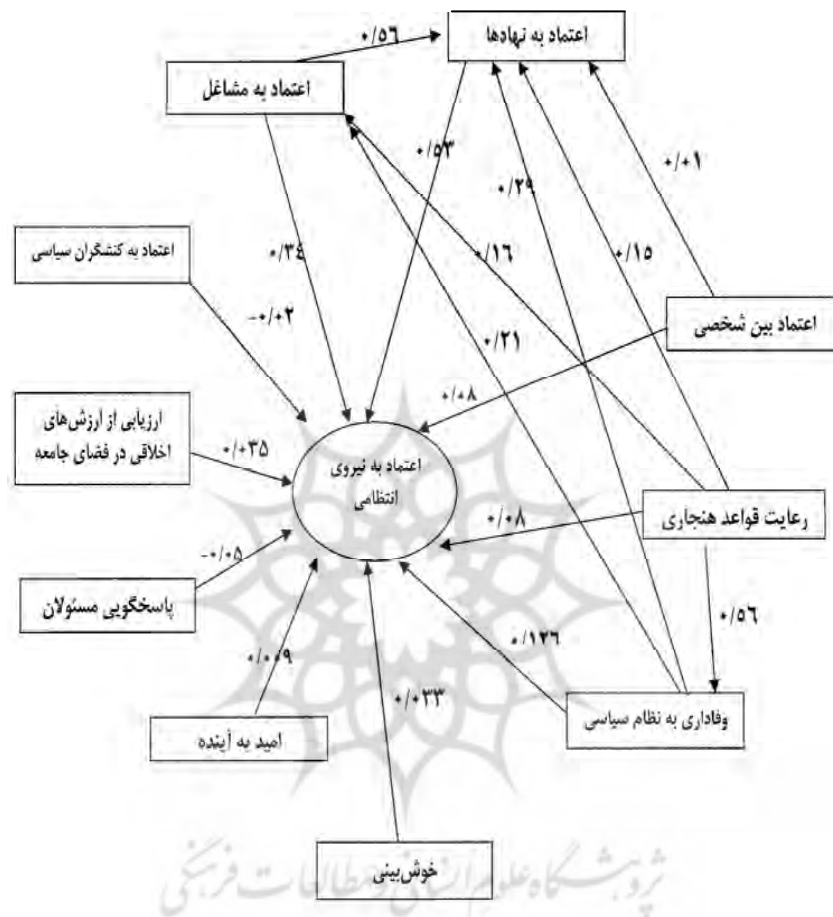
جدول شماره (۶) نتایج آزمون‌های آماری سنجش رابطه اعتماد به نیروهای انتظامی با متغیرهای مستقل

آزمون‌های آماری			
متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری	معنی‌داری رابطه
پاسخگویی مسئولان	۰/۴۰	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و متوسط
قواعد هنجاری	۰/۳۷	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و متوسط
اعتماد به کنشگران سیاسی	۰/۴۶	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و متوسط
امید به آینده	۰/۱۸	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و ضعیف
خوش بینی	۰/۱۲	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و ضعیف
اعتماد به مشاغل	۰/۶۹	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و قوی
اعتماد به نهادها	۰/۷۷	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و قوی
ارزش‌های مثبت	۰/۳۵	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و متوسط
ارزش‌های منفی	۰/۲۰	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و ضعیف
اعتماد درون‌گروهی	۰/۰۹	۰/۰۲	رابطه معنی‌دار و ضعیف
اعتماد برون‌گروهی	۰/۱۰	۰/۰۰۷	رابطه معنی‌دار و ضعیف
وفاداری به نظام سیاسی	۰/۴۱	۰/۰۰۰	رابطه معنی‌دار و متوسط

نتایج حاصل از آزمون رگرسیون خطی چندگانه برای بررسی قدرت پیش‌بینی تغییرات متغیر اعتماد به نیروی انتظامی توسط متغیرهای دیگر نشان می‌دهد که در کل، متغیرهای (جدول شماره ۶) مورد بررسی می‌توانند ۶۷ درصد تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

نتایج آزمون رگرسیون در جدول شماره ۶ ارائه شده است. مقادیر R^2 محاسبه شده حاکی از آن است که متغیر اعتماد به نهادها بیشترین تأثیر را در ایجاد تغییرات متغیر وابسته تحقیق داشته است.

برای بررسی تأثیر آثار مستقیم و غیرمستقیم بر روی متغیر اعتماد به نیروی انتظامی از تحلیل مسیر استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از محاسبات، مدل تحلیل مسیر به شکل زیر ایجاد می‌شود:



مدل (۱)

براساس نتایج حاصل مندرج در جدول شماره ۷، از بین متغیرهای مستقل به ترتیب میزان اعتماد به مشاغل، میزان اعتماد به نهادها، وفاداری به نظام سیاسی و رعایت قواعد هنجاری در جامعه بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند و از این رو می‌توان گفت که این چهار متغیر بیش از متغیرهای دیگر می‌توانند واریانس متغیر اعتماد افراد به نیروی انتظامی را تبیین نمایند.

جدول شماره (۷) آثار مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تبیین‌کننده متغیر وابسته

اثر کل	اثر علی		متغیرهای مستقل
	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	
۰/۰۵۶	-	-۰/۰۵۷	پاسخگویی مسئولان
۰/۲۸۶	۰/۳۷۳	-۰/۰۸۶	قواعد هنجاری
-۰/۰۲۷	-	-۰/۰۲۷	اعتماد به کنشگران سیاسی
۰/۰۰۹	-	۰/۰۰۹	امید به آینده
-۰/۰۳۳	-	-۰/۰۳۳	خوش بینی
۰/۶۴	۰/۲۹۶	۰/۳۴۶	اعتماد به مشاغل
۰/۵۶	-	۰/۵۳۶	اعتماد به نهادها
۰/۰۳	-	۰/۰۳	ارزش‌های اخلاقی
-۰/۰۷۶	۰/۰۰۵	-۰/۰۰۸	اعتماد بین شخصی
۰/۴۱۲	۰/۲۸۶	۰/۱۲۶	وفاداری به نظام سیاسی

بحث و نتیجه‌گیری

بخش عمده‌ای از تامین ثبات و انضباط در کشور و برقراری نظم و امنیت به اعتماد و همراهی مردم با نیروی انتظامی بستگی دارد و افزایش اعتماد اجتماعی به نیروی انتظامی سهم عمده‌ای در این زمینه دارد.

به‌طور کلی شکل‌گیری اعتماد اجتماعی از دو نظر قابل بررسی است: نخست آن که با گسترش ارتباطات و شبکه‌های رسمی و غیررسمی در جامعه، که به مشارکت بیشتر افراد منجر می‌گردد، اعتماد نیز گسترش می‌یابد؛ از این رو در این دیدگاه بر ارزش‌های اخلاقی و هنجارها، اعتماد بین اشخاص و گروه‌ها و نیز افزایش مشارکت مردم در جامعه به عنوان عوامل موثر بر اعتماد اجتماعی تأکید می‌شود. دومین جنبه، بررسی نهادها و سازمان‌ها به عنوان مهم‌ترین عوامل ایجاد و حفظ اعتماد در جامعه است و پژوهش حاضر با در نظر گرفتن این جنبه‌ها ضمن بررسی قواعد هنجاری، ارزش‌های اخلاقی و روابط بین افراد، به پاسخگویی مسئولان، وفاداری به نظام سیاسی، به عنوان مولفه‌های موثر و متأثر از اعتماد به نهادها و سازمان‌ها می‌پردازد.

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از بین متغیرهای مستقل مورد بررسی، اعتماد تعمیم یافته شامل دو مولفه اعتماد به مشاغل و اعتماد به نهادها رابطه قوی و معنی‌دار با متغیر وابسته تحقیق دارند. از سوی دیگر بررسی آثار غیرمستقیم متغیرها در تحلیل مسیر نشان می‌دهد که بین اعتماد به مشاغل و اعتماد به نهادها رابطه قوی وجود دارد. نتایج تحلیل عاملی مربوط به متغیر اعتماد به مشاغل حاکی از آن است که پاسخگویان به مشاغل دولتی بیشترین میزان اعتماد را ابراز داشته‌اند (که نیروی انتظامی نیز از جمله این مشاغل است). این نتیجه با نتایج تحقیقات قبلی در این زمینه همسو است؛ از جمله پژوهش شارع پور در بررسی اعتماد مردم به پلیس در استان مازندران که در آن به این نتیجه رسیده که نوع نگرش مردم به کنشگران دولتی و نحوه عملکرد سازمان‌های دولتی بر ارزیابی آنان از اعتماد به پلیس تأثیر فراوانی دارد.

روشنایان معتقد است که یکی از عوامل اصلی ایجاد اعتماد تعمیم‌یافته، بی‌طرفی دولت در برخورد با مردم است و این که دولت چقدر با مردم رفتار یکسانی دارد. این نظریه در نتایج تحقیق حاضر نیز تجلی می‌یابد، از آنجا که نتیجه به دست آمده برای اعتماد به نهادها نشان می‌دهد که پاسخگویان به نهادهایی نظیر مدارس، بانک‌ها و دانشگاه‌ها بیش از نهادهای دیگر مثل مجلس، محاکم قضایی، شوراها، صدا و سیما، اوقاف، ارتش و احزاب سیاسی اعتماد دارند. توجه به این نکته لازم است که این نهادها ارکان سیاسی حکومت را تشکیل می‌دهند و اعتماد به آنها جنبه سیاسی می‌یابد. این بدان معناست که اگر کنشگران نتوانند اهداف و نظر مردم را در این خصوص تأمین کنند میزان اعتماد مردم به حکومت کاهش می‌یابد، زیرا همچنان که بریتر معتقد است اعتماد سیاسی از سه سطح تشکیل شده است: اعتماد به نظام سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و اعتماد به کنشگران سیاسی. لذا کاهش میزان اعتماد در هریک از این سطوح کل اعتماد سیاسی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

بر اساس نتایج تحقیق حاضر، اعتماد به نظام نسبت به دو سطح دیگر که با عنوان اعتماد به کنشگران سیاسی و پاسخگویی مسئولان مورد بررسی قرار گرفتند با متغیر وابسته تحقیق رابطه قوی‌تری دارد، شایگان و پناهی نیز در پژوهشی که در سال ۱۳۸۶ در تهران انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که اعتماد به نظام سیاسی بیش از اعتماد به نهادها و

کنشگران در اعتماد مردم به پلیس در شهر تهران موثر است. پس مسئولان باید به این امر مهم توجه کنند که با پاسخگویی مناسب به مردم و انجام دادن کارهای آنها در سازمان‌های دولتی بدون تمایز بین اقشار مختلف اهتمام ورزند تا با جلب اعتماد آنها، باعث تداوم و افزایش اعتماد به نظام گردند.



منابع

- ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۵) *اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم گرمسار*، پیک نور، سال هفتم شماره سوم، صص ۶۵-۸۴.
- احمدی، قاسم (۱۳۸۱) *اعتماد مردم به حکومت‌ها در سه دوره تاریخی مغول، صفویه و قاجاریه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۷۵) *اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- بشکنی، حسین (۱۳۸۶) *چگونه می‌توان اعتماد مردم به نیروی انتظامی را افزایش داد*، مجموعه مقالات سمینار ملی امنیت، مشارکت و جامعه، نیروی انتظامی خراسان، نشرحفیظ.
- پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶)، *اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی*، فصلنامه علوم اجتماعی، بهار شماره ۳۷، صص ۷۳-۱۰۸.
- حسنی، سعیده (۱۳۸۳) *بررسی رابطه پاسخگویی سازمان‌های محلی و اعتماد عمومی نسبت به آن سازمان‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، مجتمع آموزش عالی قم.
- زتومکا، پیتر (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز، نشر ستوده.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۴) *سنجش سرمایه اجتماعی در استان‌های مازندران*، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۸) *بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی به نیروی انتظامی مطالعه موردی استان مازندران*، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۶)، شماره ۴، زمستان، صص ۱-۱۶.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷) *بررسی میزان اعتماد مردم به پلیس مطالعه موردی شهر تهران*، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره دوم، صص ۳۷-۶۲.
- عباس‌زاده، محمد (۱۳۸۳) *اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- علیزاده، ابراهیم و علی‌محمد رضایی (۱۳۸۴) *بررسی منزلت اجتماعی پلیس و تعیین عوامل تأثیرگذار بر آن*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات آموزش نیروی انسانی ناجا.

- کامران، فریدون و اسلام احمدیان (۱۳۸۱) *بررسی میزان اعتماد اجتماعی مردم به پلیس و عوامل مرتبط با آن در استان ایلام*، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز، صص ۱۹-۴۰.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- کمالی، افسانه (۱۳۸۳) *مطالعه تطبیقی اعتماد اجتماعی در دو حوزه فرهنگ و سیاست*، پایاننامه دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۵) *بررسی آگاهی‌ها رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- میزدال، باربارا (۱۳۸۰) *بررسی مفهوم اعتماد در بین جامعه‌شناسان کلاسیک*، ترجمه ناصرالدین غراب، نمایه پژوهش، شماره ۱۸، صص ۶۹-۵۵.
- وثوقی، منصور و هاشم آرام (۱۳۸۸) *بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در شهر خلخال*، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره سوم، پاییز صص ۱۳۳-۱۵۳.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۳) *اعتماد به نیروی انتظامی*، تهران، دفتر طرح‌های ملی.
- هزارجریبی، جعفر و رضا صفری شالی (۱۳۸۸) *بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی شهروندان*، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره ۴ (۳۶)، زمستان، صص ۱۷-۳۸.
- Bretter, Y. (2002) *How Can Institutions Better Explain Political Trust than Social Capital*: WWW.Google.
- Frank et al (2005) *Exploring the Basis of Citizens Attitudes to Words the Police*, Pubic Quarterly, 8, 206-28.
- Inglehart, R. (1999) *Trust, Well-being and Democracy*, In Me Warren (Ed). *Democracy and Trust*, Cambridge University Press.
- Kaariainen, J.T. (2007) *Trust in the Police in 16 European Countries: A multilevel Analysis European*, Journal of Criminology, 4, 409-534.
- Knack, S., and Keefer, P. (1997) *Does Social Capital have and Economic Pay off? A Cross-country Investigation*, Quarterly Journal of Economic, 112, 1251-1288.

- Levi, M. and Stoker, L. (2000) *Political Trust and Trustworthiness*, Annual Review of Political Science, 30, 475- 508.
- Luhmann, N. (1979) *Trust and Power*, New York, John Wiley.
- Mawby, R.I. (2003) *Models in Policing, in: T Newblurn (ed.) Handbook of Policing, Devon: Willan Publishing.*
- Misztal, B.A. (1196) *Trust in Modern Societies: The Search for the Bases of Social Order* Blackwell.
- Paxton, P. (2002) *Social Capital and Democracy: An Inter-dependent Relationship*, American Sociological Review, 62, 254-277.
- Rothstein, B. (2005) *Social traps and the problem of Trust*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Rothstein, B. and Stolle, D (2003) *Social Capital, Impartiality and the Welfare State: An Institutional Approach*, In M. Hooghe and D. Stolle (eds.) *Generating Social Capital*, New York: MacMillan
- Sztompka, P. (1999) *Trust: A Sociological Theory*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Weingast, B. (1998) *Constructing Trust: The Political and Economic Roots of Ethic and Regional Violence in V. Hanfler, K. Soltan and E. Uslander (eds.) Where is the New Institutionalism Now?* Ann Arbour: University of Michigan Press.
- Weitzer, R. and Touch S.A. (2005) *Determinants of Public Satisfaction with the Police*, *Police Quarterly*, 8, 279- 97.
- Wohlfarth et al (2001) *The Relationship between Socio-economic Inequality and Criminal Victimization*, *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 36, 361-70.